

رابطه‌ها:

معلم‌ها و شاگرد‌ها

توصیف رابطه معلم و شاگرد، مستلزم بهره‌گیری از واژه‌ها، عبارات‌ها و جملاتی است که بیانگر زیباترین شیوه‌های تعامل و پایدارترین روش‌های تأثیر پذیری و همانندسازی باشد.

در این مقاله سعی ما بر آن است که در حدّ توان، تصویری از رابطه مطلوب میان معلمان و شاگردان ارائه دهیم.

در فرایند تعلیم و تربیت، معلم فقط انتقال دهنده مفاهیم و اصول و قواعد نیست، و شاگرد نیز تنها گیرنده پیامهای دیداری و شنیداری نمی‌باشد.

در جریان آموزش و پرورش، معلم تمامی ابعاد و شاخه‌های وجود شاگرد را متأثر می‌کند و هر قدر که از محبوبیت بیشتری برخوردار باشد، تأثیرگذاری عمیق‌تر و پایدارتری خواهد داشت.

شاگرد نیز در این میان گامی فراتر از صرف سپردن گوش و چشم به گفته‌ها و نوشته‌های معلم بر می‌دارد و چشم دل و گوش جان، بلکه همه وجود خود را در محضر شریف معلم محبوبش به سخنان وی می‌سپارد.

معلم نیک می‌داند که شاگردانش بیش از آنکه دانش و گنجینه دانسته‌های او را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهند، به یکپارچگی وجود، شخصیت و منش و رفتار او توجه دارند و به همین دلیل است که شاگردان در خلوت

دکتر غلامعلی افروز



معلمان وارسته و آزاده و بلنداندیش، وجودشان همواره سرشار از گیراترین جاذبه‌هاست.

معلمان صبور و مهربان، کلامشان محبت‌آمیز، بیانشان منطقی و نگاهشان، نگاه رحمت است.

معلمان بصیر و توانا، کلاس درس را محراب محبت و انتقال علم و معنا را تسبیح و ذکر حق می‌دانند و شاگردان را رهروان طریق معرفت و کمال می‌پندارند.

معلمان خیراندیش و نیک‌خو، اساس ارتباط خویش با شاگردان را بر شالوده "عدالت" استوار می‌کنند و در همه حال به رغم برخی کشش‌های درون و محرکهای برون، فقط در حریم عدالت و با تقید به ارزش‌ها گام می‌بردارند.

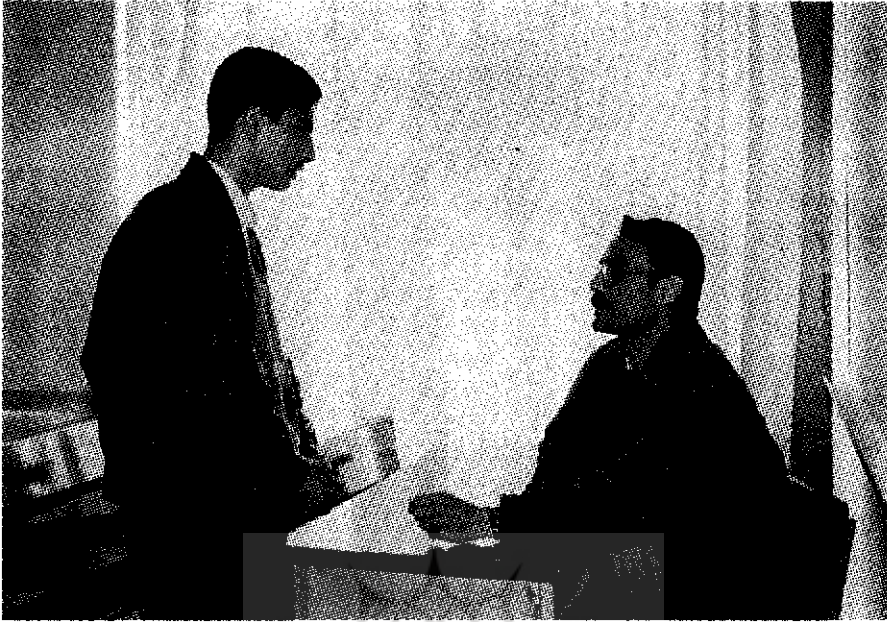
معلمان عادل به نیکی واقفند که شاگردان همیشه تشنه کلام، نگاه و رفتار عادلانه آنانند و عدالت معناگر راستین رفتار محبت‌آمیز است. رفتار عادلانه حکایتگر پرمعناترین و مؤثرترین تعامل و ارتباط اجتماعی است.

معلم عادل، محبوب‌ترین معلم‌هاست و عدالت معلم در تقسیم عادلانه نگاه پرمهرش به دیدگان همه شاگردان است، و شاگردان به این تلاقی نگاه و ارتباط مستمر بصری با معلم نیاز دارند. به بیان دیگر، تمامی شاگردان، اعم از سخت‌کوش‌ها و کم‌تلاش‌ها، آرام‌ها و شلوغ‌ها جلویی‌ها و عقب‌نشین‌ها، همه و همه به ارتباط مستمر و منظم بصری نیاز دارند، زیرا این یک نیاز فطری و روانی است. بدیهی است که بچه‌ها بیشتر از بزرگترها به چنین ارتباط بصری با معلم خود نیاز دارند. نگاه عادلانه و مستمر معلم به بچه‌ها و حفظ و استمرار این ارتباط

خویش بیشتر به شیوه تفکر، رفتار، قدرت برقراری ارتباط، جاذبه نگاه و طنین آرامش‌بخش کلام معلم می‌اندیشند تا به سواد مدرک تحصیلی ایشان.

معلم فرهیخته، فرزانه و متواضع به خوبی آگاه است که هرگز محضر درسش در چهار دیواری کلاس الف و ب و ... در یک مدرسه محدود و محصور نمی‌شود، بلکه او هر کجا که قدم می‌گذارد، در هر سنگری که وارد می‌شود، در هر محیطی که لب به سخن می‌گشاید، در هر خانه‌ای که زندگی می‌کند، در هر محله و شهری که رفت و آمد می‌کند، در هر محفلی که شرکت می‌جوید، در هنگامه انتخاب و قضاوت و در وقت پرسیدن و پاسخ دادن، به هنگام خواب و بیداری، در محراب نماز و سخن گفتن با خدا و در یک کلام، در همه جا و همه وقت معلم است و همه مکانها، مدرسه عشق و کلاس درس اوست. او در همه جا و هر هنگام، به طور مستقیم و غیرمستقیم، باورها و بینش‌ها، معیارها و ارزش‌هایی را که برایش معنایی والا دارند، به شاگردان و مخاطبان و معاشران خویش انتقال می‌دهد و شاگردان نیز به شکل ارادی و غیر ارادی، با خلق و خو و منش مطلوب معلم خود همانندسازی می‌کنند و در روند تکوین شخصیت و تأمین نیازهای فطری و روانی خود، رفتارهای کلامی و غیرکلامی او را سر مشق خویش قرار می‌دهند.

رابطه معلم و شاگرد، بسان رابطه مراد و مرید، امام و مأموم، محبوب و محب و شمع و پروانه است. رابطه معلم و شاگرد، آینه صفا و صمیمیت، گذشت و ایثار، مروت و محبت و جلوه‌ای از زیباترین و پرمعناترین تعاملات و ارتباط‌های انسانی است.



معلم عادل، در ارتباط با شاگردانش ، آنها را با نیکوترین نام مخاطب قرار می‌دهد و همواره با لحنی آرام و پراز مهر، با کلامی جالب و جاذب و به تناسب سن و رشد و موقعیت فردی و اجتماعی آنها، نام ایشان را با پیشوند یا پسوندی خوشایند همچون : احمد آقا، مریم خانم، محمد جان ، فاطمه جان و ... به زبان می‌آورد، و این نیاز همه شاگردان، اعم از کم حرف‌ها و پرحرف‌ها ، درسخوان‌ها و کاهل‌ها، با ادب‌ها و کم توجه‌هاست و چه بسا با مخاطب قرار دادن شاگردی شلوغ و ناسازگار با زبان محبت و تکریم ، او نیز دل و جانش را به معلم محبوب خود بسپارد . چرا که بسیاری از رفتارهای سازش نیافته در نتیجه تحقیر و تنبیه ، تهدید و سرزنش بروز می‌کند، حال آنکه رفتار صمیمانه، مشفقانه ، رقیقانه و کریمانه معلم با شاگردان ، اغلب اضطراب‌ها و نگرانی‌ها و

پر معنا، ضمن آنکه دامنه توجه شاگردان را وسیع‌تر می‌کند، تمرکز ذهنی آنها را قوی‌تر می‌نماید، حواس‌پرتی‌ها و فزون‌کنشی‌ها را می‌کاهد و فرایند یادگیری و به خاطر سپاری را آسانتر می‌سازد، زمینه رشد مطلوب شخصیت یکایک شاگردان را هموار و فراهم می‌نماید. چرا که توجه خاص و ارتباط مداوم بصری معلم با شاگردان ، احساس تکریم و خودارزشمندی ایشان را غنی‌تر می‌کند، مصونیت عاطفی آنها را افزایش می‌دهد و زمینه آسیب‌پذیری‌های رفتاری را که عمدتاً به لحاظ خلاء عاطفی و فقر ارتباطی ایجاد می‌شود، تا حدود زیادی از بین می‌برد.

معلم عادل همه شاگردان را به گونه‌ای صدا می‌زند و فرا می‌خواند که به طور همزمان به دو نیاز روانی و اساسی آنها پاسخ می‌دهد: نیاز به محبت و نیاز به تکریم و اعتماد به نفس .



شاگردان از سویدای دل معلم عادل و محبوب خویش را دوست می‌دارند و با همه وجود شیفته برقراری ارتباط با او و حضور در کلاس پر مهرش هستند.

شاگردان معلمان محبوب، این دانش‌آموختگان مکتب مهر و محبت، ایثار و احسان و جوانمردی، همه با هم رفیق هستند و رقابتشان در نیکی‌ها، فروتنی‌ها و فداکاری‌هاست.

شاگردان مطلوب معلمان محبوب، همه با هم رفیقند و با خویشتن خویش رقیب. آنها تلاش می‌کنند که امروزشان برتر از دیروز آنان باشد و معیار این برتری، «مهرورزی، تواضع و تلاش است».

معلم عادل، با رفتار عادلانه‌اش هرگونه حسد و حسدورزی، کینه و کینه‌توزی و اضطراب و تشویش را از فضای آرامش بخش کلاس خود می‌زداید و شاگردانش به دور از هر دغدغه و نگرانی، دل آرام و پرنشاط و باتبسمی

رفتارهای نابهنجار را می‌زداید و درمان می‌نماید. برآستی که معلم عادل در مانگر واقعی دل و جان شاگردان است.

معلم عادل و محبوب بچه‌ها، در هر ارتباطی که با شاگردانش برقرار می‌کند، همه توجه و نگاهش به نقاط پرثمر، ویژگی‌های مثبت و توانمندی‌های شخصیت آنان معطوف می‌شود و آغاز کلامش با تأیید خصوصیات مثبت شخصیت آنها و تمجید و تشویق تلاش‌ها و توانمندی‌های آنان همراه است. شاگردان نیز با نیرو گرفتن از تأییدها و تشویق‌ها و سیراب شدن از محبت و بزرگ منشی معلم محبوب خود، همیشه در آرزو و حسرت دیدار معلم و زانو زدن در محضرش لحظه شماری می‌کنند و همواره می‌کوشند نقاط قوت خود را قوی‌تر و ضعف‌های احتمالی خویش را بر طرف نمایند تا بیشتر مورد توجه معلم محبوب خود قرار گیرند.

عادلانۀ وی را می ستایند و آن را در هر جا و برای هر کسی که مقتضی بدانند، بازگو می کنند. شاگردان، ارتباط صمیمی و رابطۀ عاطفی و منطقی معلم خود را با ایشان و نیز کلام او را برای بهتر شدن، الگوی برتر زندگی خود قرار می دهند.

بسیاری از شاگردان، به خصوص بچه های دبستانی، در خواب و رؤیا نیز با معلم محبوب خود زندگی می کنند.

بچه ها معلم محبوب خود را بهترین دوست و حامی و پشتیبان خود می دانند. در سایۀ این رابطۀ زیبای شاگرد و معلمی، بچه ها، همه

بر لب، گرد و جودش حلقه می زنند. معلم عادل می داند که شاگردانش رفتار عادلانۀ او را از صمیم دل پذیرا هستند و به تداوم آن دل می بندند. ارتباط نیکوی معلم محبوب با شاگردانش همواره بر اساس عدالت استوار است و حول محور "تلاش" برای بهتر شدن برقرار می گردد.

معلم محبوب کلاس درس وفا و صمیمیت و عشق و محبت، با تکریم شخصیت یکایک شاگردانش، همواره به تلاش ایشان ارج می گذارد و نه صرف حاصل کار آنها، چرا که دربارگاه عدل الهی نیز ارزش ها و ارزشمندی ها متوجه نیت خیر و تلاش پربرکت انسان است و نه ویژگیهای غیراکتسابی او (لیس للانسان الا ما سعی . قرآن کریم).

معلم عادل، کلاس درس خود را به گونه ای آرایش می دهد که همه شاگردانش از فرصت برقراری ارتباط نزدیکتر و صمیمی تر و پرسیدن سؤالاتشان به خوبی برخوردار باشند، و آن گاه که مقتضی بدانند، با اطمینان از سلامت و قوت بینایی و شنوایی مخاطبان به گونه ای برنامه ریزی می کند که شاگردانش، به خصوص در مقطع ابتدایی، به صورت چرخشی، همگی نشستن در ردیف های جلو، وسط و عقب تر را تجربه کنند و اگر موقعیت کلاس مناسب باشد، ترتیبی می دهد که شاگردان به صورت نیم دایره پیرامون معلم بنشینند. تمامی این تدابیر و آرایش ها برای تکریم وجود تک تک شاگردان و بهره مندی ایشان از احساس امنیت روانی و عدالت اجتماعی است، ولو در دنیای کوچک و پر از مهر و محبت کلاس و مدرسه باشد.

شاگردان، شخصیت پرجاذبه معلم و رفتار



همه وجود معلم، از نگاه پرمهرش، کلام نیکویش و رفتار پرمعنایش، پایدارترین درسها را می آموزند.

شاگردان وفادار معلم محبوب، در زندگی فردی و خانوادگی و حیات اجتماعی خویش همچون معلمان محبوب خود، در طریق مستقیم گام می بردارند و از همه آسیب های فرهنگی مصون می مانند.

شاگردان دلباخته معلمان محبوب، بیش از همه، خلاقیت های ذهنی و نوآوری های فکری خود را در قلمرو مدرسه و اجتماع متبلور می سازند.

شاگردان معلم محبوب، به خوبی می آموزند که چگونه همچون معلم خود، در خانه و اجتماع محبوب باشند. آنها می دانند که محبوب شدن همت والا، گذشت و ایثار، تواضع و فروتنی، صبوری و مهرورزی، انفاق و احسان، و ارستگی و آزادگی، لطف و مرحمت خداوندی را می طلبد.



آری، زیباترین رابطه ها در جهت تکوین و تکامل شخصیت انسانها را باید در کانون خانواده و نیز در تعامل با معلمان محبوب و مطلوب جست و جو کرد. خوشا به حال معلمان محبوب و شاگردان مطلوب.

آرزوی معلم شدن را در دل می پروراندند، و این حکایتگر آرامش روان و تضمین کننده سلامت جامعه ای است که "معلم" محبوب دلها بوده، از برترین جایگاه و منزلت اجتماعی برخوردار است.

معلمان عادل و سخاوتمند، با وفاترین و باگذشت ترین شاگردان را پرورش می دهند و معلمان محبوب، با محبت ترین انسانها را تربیت می کنند.

معلمان صبور و فهیم، مقاوم ترین جوانان و صبورترین انسانها را می پروراندند و معلمان با محبت و عادل، با رفتار عادلانه و پرمهر خود، دلها را رام و جانها را صفا می بخشند.

معلمان پرمهر و پرجاذبه، آرامشگر قلبها، صیقل دهنده جانها، موجب شکفتن همه استعدادها و به بار نشستن خلاقیت های فکری و نوآوری های ذهنی شاگردان خویش هستند.

معلمان محبوب بچه ها، پیوسته شخصیتی متین و متواضع، پر صلابت و استوار و پرمهر و پرجاذبه دارند و دیدار شاگردان برای آنها بهترین فرصت و خوشایندترین حالت است.

هرگز در کلام ایشان اثری از منت و منت گذاری و تحقیر و تنبیه مشاهده نمی شود، چرا که معلمان محبوب با همه وجود آنچه در توان دارند در طبق اخلاص می نهند و بدون چشمداشت در طریق رشد و کمال شخصیت شاگردان خود می کوشند.

معلمان حلیم و حکیم، چون پیامبران حق (علیهم السلام) از رهروان و شاگردان خود جز مودت و محبت هیچ نمی خواهند، و شاگردانی که دل و جانشان را به معلم و مربی پرمهر و محبوب خود می سپارند و از سويدای دل او را دوست می دارند، از همه فرصت ها و از